

در احوال سیاسی و اجتماعی و حیات ادبی و اقتصادی و ترقیات صنعتی و فنی ملت‌های غرب تحصیل کرده اند هیئت‌ی بنام انجمن غرب شناسان تشکیل و نتیجه افکار و زحمات و ثمره تحصیلات و اطلاعات و تجربیات خودشان را بدان وسیله بنظر هموطنان خود برسانند .

فایده چنین هیئت‌های غرب شناس برای ممالک شرقی بیشتر از فایده‌ای خواهد بود که ملت‌های فرنگ از شرق‌شناسان خود می‌برند زیرا که شرق احتیاج فوری بشناختن و کسب کردن تمدن غربی دارد . اگر این پیشنهاد ما در نزد ارباب تفکر جای قبول پیدا بکند در آینده عقیده خودمان را در چگونگی تأسیس انجمن‌های غرب شناسی و شرایط کار کردن آنها با دادن نمونه‌های اقدامات انجمن‌های شرق شناسان فرنگ شرح خواهیم داد .

صنعت و صنایع مستظرفه چیست ؟

صنعت و صنایع مستظرفه مقیاسی است برای سنجیدن درجه تکامل معنوی و روحی یک ملت .

درین جهان در میان هزاران محسوسات که ما در زیر نفوذ حواس پنجگانه خود از وجود و چگونگی آنها با خبر میشویم بعضی چیزها هست که ما بی اختیار آنها را بیشتر دوست میداریم . روح ما و قلب ما مجذوب آنها میشود بدون آنکه از آنها یک فایده عملی و آنی برای ما حاصل گردد . مثلاً وقتی که در جلتو یک پرده نقاشی که ثمره قوای دماغی و روحی یک صنعتکار را نشان میدهد می‌ایستیم ساعتها مشغول تماشای آن و غرق حیرت و تعجب میشویم . هم چنین شنیدن صدای حزن انگیز تار ویا آواز طرب

بخش یک خواننده با ذوق احساسات لطیف ما را بهیجان میآورد
همینطور بسر بردن چند ساعت در یک شب مهتاب، تماشای سیر ابرها
و ماه، احساس وزش باد و حرکت برگهای درختان، صدای ریزش دلنواز
و خواب آور آب، عظمت وحشت انگیز کوهها و دره‌ها، سبزی و خرمی
چمنزار، رنگ و بوی گل‌های لطیف و صحبت شیرین یک نگار موافق
و امثال اینها هر یک برای ما یک مسرت قلبی و یک انجذاب روحی تولید
می نماید و ساعتها ما را بتفکرات عمیق می اندازد.

در چنین حال استغراق، ساعت‌های شیرین و دقیقه‌های فراموش
نشدنی زندگی در مقابل چشم ما جلوه گر میشوند. آرزوهای دیرین و تسلیت
بخش ما و امیدهای آینده و روحنواها ما از نو بیدار و زنده میشوند. این
استغراق مانند یکجام مستی بخش در ما اثر میکند. درین موقع است
که خود بخود میگوئیم: ایکاش این ساعت وجد و استغراق ابدی میشد.
باز درین موقع آرزو میکنیم که ایکاش دست طبیعت ما را ازین خواب
شیرین خیالی هرگز بیدار نمیکرد زیرا که درین دم قلب ما با آمال دیرین
خود در راز و نیاز و روح ما با دلدار مجذوب خود هم آغوش است. حتی
توصیف این محاسن طبیعت و این استغراق پر جاذبه بقلم سحر انگیز یک
شاعر شیرین بیان کافیست که در اعماق قلب و روح ما ولو در گوشه تاریک
یک بیت الحزن نشسته باشیم همان حظ روحی را تولید بکند. بلی برای
یک قلب حساس و برای یک روح زنده هر یک از تظاهرات طبیعت یک
جلوه و یک جذبه تشکیل میدهد.

حالا باید تأمل بکنیم که منبع این فیض روحانی در کجاست و چگونه
میشود که مشاهده و احساس پاره چیزها یک چنین حال وجد و جذبه
در ما تولید میکند. باید مرکز این جاذبیت و مجذوبیت را پیدا کرد

و باید دید که این قوه معجز نما چه نام دارد و از کدام سرچشمه آب میخورد.

اگر قدری تفکر و تعمق بکنیم خواهیم دریافت که این جاذبه همان جاذبه صنعت است و صنعت غیر از حسن چیز دیگر نیست و چون روح ما با عوالم حسن یک رابطه ازلی دارد و این هر دو بایک الفت ابدی بهم پیوسته اند این است که هر کجا حسن است آنجا روح است و هر کجا روح است با صنعت همدوش است.

این صنعت یعنی حسن که معشوقه روح ماست دو نوع میباشد یکی حسن خدادادی که اثر صنعتکار حقیقی است مانند محاسن طبیعت و دیگری صنعت بشری است که زاده روح بشر است. از آنجا که روح انسانی به محاسن طبیعت اکتفا نکرده یعنی آرا برای غذای معنوی خود کافی ندیده است لذا با همان قدرتی که صانع حقیقی در او آفریده محاسن دیگری بر طبیعت افزوده است چنانکه در ابتدا بتقلید محاسن طبیعت پرداخته و بعد پیرایه ها و جلوه های زیادی بدان محاسن علاوه کرده و شکل های جاذبتر و رنگ های دلربا تر بدان داده است و ازین کوشش دائمی روح انسانی در جستجوی غذای خود یعنی حسن مطلق، صنایع مستظرفه مانند نقاشی، موسیقی، مجسمه سازی، معماری و شعر بوجود آمده است.

پس صنعت و صنایع مستظرفه زاده بشریت است و با آن هم خواهد مرد و چنانکه گفتیم صنعت عین حسن و حسن هم عین صنعت است بهمین مناسبت هم میتوانیم بگوئیم که صنایع مستظرفه عبارت از حسن مجسم میباشد.

— >